

<div><div> </div>ایران</div>	
<div><div><div><div><div></div><div><div>صاحب امتیاز:</div></div></div></div><div><div>خبرگزاری جمهوری اسلامی</div><div>مدیر مسئول: محمدحسن روزبه‌طلب</div><div>چاپ‌نشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور</div></div></div></div>	
<p>آذان ظهر ۱۱/۴۸ آذان مغرب ۱۷/۳۳ نیمه شب شرعی ۲۳/۰۵ آذان صبح فردا ۵/۰۶ طلوع آفتاب فردا ۶/۳۲</p>	
<p>سخن روز</p> <p>امام صادق علیه‌السلام: خوش اخلاقی در بین مردم، زینت مسلمان است.</p>	
<p> [مشکاة الانوار، ص ۲۲۲]</p>	

<div><div> </div>نگاره</div>	
<div><div><div><div><div></div><div><div>حمید موسیقی</div></div></div></div><div></div></div></div>	
<p>صحنه</p>	
<p>مشکاة الانوار، ص ۲۲۲</p>	

<div><div> </div>هنرمندان در فضای مجازی</div>	
<p>گفت‌وگذار مختصری در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی کافی است تا با خیرهانی جالب و خواندنی از دنیای فرهنگ هنر روزمهر شوید؛ در این بین می‌توان به کتاب تازه‌ای اشاره کرد که امین فقیری نگارش آن را بزودی تمام می‌کند. بازگشت دوباره گودزیلا به سینمای جهان، نگاهی به فعالیت یک مجموعه‌دار عجیب و البته نگاهی به فراخوان برگزار مسابقه‌ای برای کتاب‌دوستان از جمله این خیرها هستند.</p>	

چهره روز

امین فقیری از جمله چهره‌های شناخته شده ادبیات داستانی فارسی است، نویسنده و پژوهشگری که نام وی در کنار محمود دولت‌آبادی به‌عنوان نویسندگانی درج شده که در آثار خود به بومی‌نویسی و تصویر فضای روستایی توجهی ویژه دارند. فقیری به ایسنا درباره این گفته که این روزها در حال نگارش یک رمان طنز است. با اینکه کارهای اینجانی تألیف نوشته تازه‌اش سبزی می‌شود اما او هیچ اطلاعاتی درباره ماجرای کتاب و اینکه چه داستانی دارد نگفته و فقط تأکید کرده که این رمان طنز درباره زندگی شهری است. این انتخاب موضوع درباره فقیری که به روستایی‌نویسی مشهور است قدری عجیب به نظر می‌رسد، هرچند او تعجب احتمالی علاقه‌مندان داستان‌های تألیفی را هم بی‌پاسخ نگذاشته و گفته: «من در شهر زندگی می‌کنم. دیگر اطلاعی از شرایط روستا ندارم، اینکه چرا چه خبر است، مناسب است، شکل است، مردم به لحاظ اجتماعی در روستاها چطور فکر می‌کنند و… خیلی وقت است که از روستا بیرون آمده‌ام.» پیش‌بینی فقیری این است که نوشته‌اش اواخر سال آینده منتشر شود. او درباره اینکه چرا قالب طنز را انتخاب کرده گفته: «گاه آدمی از شدت اندوه و ناراحتی به طنز پناه می‌آورد. اگر طنز را انتخاب کردم، برای این است که روحم در آسایش باشد.»

سینمای جهان

در حالی که زمان قابل توجهی از سیطره گودزیلاها بر سینماهای جهان می‌گذرد، انتشار خبری تازه توجه علاقه‌مندان فیلم‌های علمی و تخیلی را به خود جلب کرده است. پادشاه هیولها بار دیگر غرش خواهد کرد و به سینماهای جهان بازخواهد گشت. در همین رابطه استودیوی فیلمساز ژاپنی «توهو» هم‌زمان با شصت و هشتمین سالروز ساخت فیلم سینمایی «گودزیلا»، از تولید فیلم سینمایی جدیدی از مجموعه فیلم‌های این هیولا خبر داده است.این فیلم سینمایی که سال آینده منتشر می‌شود، نخستین فیلم ژاپنی ساخت «توهو»، از زمان انتشار فیلم سینمایی موفق «بازخیز گودزیلا» در سال ۲۰۱۶ محسوب می‌شود. هنوز عنوانی برای این پروژه سینمایی انتخاب نشده است و جزئیات چندانی از آن مشخص نیست. با این حال کارگردانی این فیلم را «تاکاشی یامازاکی» بر عهده خواهد داشت.نخستین فیلم «گودزیلا» محصول کشور ژاپن بود و در سال ۱۹۵۴میلادی به کارگردانی «ایشیرو هوندا» و توسط استودیوی «توهو» روی پرده سینما رفت. تاکنون ۳۲ مورد از مجموعه فیلم‌های «گودزیلا» توسط کمپانی «توهو» عرضه شده، یک مورد توسط «استری اسپیکجزز» و چهار مورد توسط «لجنردی پیکجزز» تولید شده است.

مجموعه‌دار عجیب!

مجموعه‌داری بخشی مهم در عرصه هنرهای تجسمی به شمار می‌آید که اغلب آثار شاخص و قدیمی را شامل می‌شود. با این حال همیشه قرار نیست مجموعه‌داران به جمع‌آوری آثار گران و فاخر بپردازند. برخی از آنها با نگاهی متفاوت آثاری را جمع‌آوری می‌کنند که به لحاظ مالی هیچ سودی ندارد. ایلنا در همین رابطه گزارش جالبی را به نقل از گاردین منتشر کرده، درباره تونی لوید که با همراهی همسرش، طی سال‌های طولانی به جمع‌آوری اشیا و لوازم خانه و دیگر متراش‌های تزئینی پرداخته است. در

بازکن، لیوان، یک صورتک کوچک، برچسب‌های تزئینی مگنتی و هر اشیا دیگر را می‌توان در مجموعه او که همه خانه و اتاق‌هایش را دربر گرفته مشاهده کرد. عجیب‌تر اینکه او پانزده سال پیش برای راه‌اندازی شرکت خصوصی‌اش از یک کار پر درآمد ملکی استعفا داد و این ریسک را پذیرفت تا قدم در راه مورد علاقه‌اش بگذارد. این اشتیاق لوید او را بر آن داشته تمام دیوارهای خانه‌اش را با ورق‌های فولادی پوشاند تا بتواند مجموعه‌اش را در محل زندگی‌اش به نمایش بگذارد. خودش معتقد است که آثار مجموعه‌اش حتماً روی دیوار نصب شوند زیرا بار بصری آنها بسیار زیاد است و هر کدام از آنها گویای موضوع و مطلبی هستند که مخاطب را درگیر می‌کند.

مسابقه‌ای برای کتاب‌دوستان

علاقه‌مندان کتابخوانی می‌توانند سری به فراخوان مسابقه بزرگ کتابخوانی «ستاره‌ها چیدنی‌نمی‌شوند» بزنند که از چهاردهم همین ماه با همکاری مشترک مرکز رسانه‌ای شیرازه و دفتر نشر معارف برگزار شده است. این کتاب درباره سبک زندگی زنان و با محوریت موضوع حجاب با نگاهی فراملیتی است. «ستاره‌ها چیدنی‌نمی‌شوند» با یک داستان زیبا وواقعی از زندگی یک دختر آمریکایی به رشته تحریر درآمده است و مدخل ورودی آن، پرده‌برداری از پشت صحنه رسانه‌های ضدایرانی است. علاقه‌مندان برای تهیه کتاب و سؤالات مسابقه می‌توانند عدد ۶ را به ۰۲۴۶۰۰۰۰ ارسال کنند.

”

جای خالی موسیقی نواحی در ارکستر ملی

محسن شریفیان: برای من خیلی مهم است که ساز نی انبان جزئی از ارکستر ملی باشد و برای این مسأله تلاش بسیاری کرده‌ام. با سایر همکاران و نوازندگان که در ساخت ساز فعالیت داشتند، تغییراتی در ساز نی انبان ایجاد کردیم تا این ساز بتواند در ارکستر ملی حضور داشته باشد. جای موسیقی نواحی در ارکستر ملی بسیار خالی بوده است. در واقع، این موسیقی نواحی است که موسیقی ملی را به وجود می‌آورد، نه بالعکس.



«تختی» سینمای ایران وزنجیره بداقبالی



در فضای ورزش و جامعه، به وجوه تاریک و روشن زندگی او نزدیک‌تر شد. «غلامرضا تختی» با مرگ تختی آغاز می‌شد و آن را انتخاب نهایی قهرمانی به تصویر می‌کشید که جامعه و سیستم حکومتی، از درکش عاجز است. «غلامرضا تختی» برای نخستین بار گرایش سیاسی تختی را هم روشن می‌کرد و از حشر و نشرش با بعضی چهره‌های سیاسی صحبت می‌کرد. فرجام «غلامرضا تختی» در گیشه مانند فیلم قبلی، تلخ بود. نئوروز ۹۸ فیلم بهرام توکلی در حالی روی پرده رفت که اگران بهار معمولاً در انحصار کمدی‌هاست و فیلی‌ای از جنس «تختی» که تلخ و سیاه و سفید بود. قربانی ترکیب اکران و علاقه مخاطبان به تماشای آثار مفرح شد. مردم، این بار هم فیلم تختی را در سینما ندیدند. گویی ترجیح می‌دادند روایت‌هایی که سینه به سینه به آنها رسیده بود حفظ کنند تا به سینما رفته و تصویری از قهرمان محبوبشان ببینند.

این روزها، در حالی که اغلب اخبار فرهنگی و رویدادهای هنری، بازتابی اندک دارد، «غلامرضا تختی» از جشنواره فیلم‌های ورزشی کنیا سه جایزه دریافت کرد. در این جشنواره، جایزه بهترین فیلم، بهترین تدوین و بهترین کارگردانی فیلم بلند به «غلامرضا تختی» اهدا شد. خبری که در هیاهوی اخبار تلخ این روزها گم شد و زنجیره بداقبالی‌های تختی را ادامه داد. «غلامرضا تختی» فیلم خوب بهرام توکلی، در آینده بیشتر دیده خواهد شد، این طلسم روزی خواهد گشت.

یادداشت



مدیده وانظی‌پور
روزنامه‌نگار

مانند این کشتی گیر، درگیر اتفاق‌های حاشیه‌ای و بداقبالی شدند. در دهه هفتاد، نخست علی حاتمی تصمیم گرفت فیلمی از تختی بسازد. با توجه به سینمای او و نوع نگاهی که به فرهنگ ایرانی و اسطوره‌هایش داشت، تختی او می‌توانست فیلمی شاعرانه درباره قهرمانی باشد که حتی مرگ، او را از ذهن ایرانیان پاک نکرد و پس از او، هیچ قهرمان و پهلوانی به گرد پای محبوبیت و شهرتش نرسید. اما بیماری سخت زنده‌یاد حاتمی و مرگ نابهنگامش، پروژه تختی را ناتمام گذاشت. با اینکه بخش‌هایی از فیلم فیلمبرداری شده بود اما آن «تختی» شوربختانه برای همیشه با یگانگی تاریخ سپرده شد. بهروز افخمی در «جهان پهلوان تختی» هوشمندانه از ورود به حیطه‌ای که حاتمی، استاد آن بود، پرهیز کرد. فیلم او، به سینمای افخمی نزدیک بود، فیلمی معمولی درباره پرونده تختی، با اشاره‌هایی به روحیه ایرانیان و تاریخ و جامعه‌ای که قهرمان را مرده دوست دارد. «جهان پهلوان تختی» نه مانند آنچه علی حاتمی در ذهن داشت و می‌توانست روی پرده به آن جان ببخشد، اما ادای احترام به شخصیت بزرگی بود که زندگی و مرگش، همچنان راز آلود و مبهم است. «جهان پهلوان تختی» در گیشه به اثری پر فروش و محبوب تبدیل نشد، نمی‌شد انتظار داشت که فیلم افخمی رکورد شکنی کند، اما به نظر می‌رسید حتی دوستداران تختی هم تمایل زیادی برای دیدن فیلمی درباره او روی پرده سینما ندارند. بهرام توکلی، بیش از دو دهه پس از حاتمی و افخمی، به سراغ تختی رفت و در تیتراژ آغاز، فیلم را به زنده‌یاد علی حاتمی تقدیم کرد. فیلم توکلی، با نمایش جزئیات بیشتر از زندگی خانوادگی و روند حضور تختی

در آزمون بزنگاه‌های اخلاقی

یادداشت



رضا منانی
منتقدسینما

«آتش سرد» به کارگردانی رضا ابوفاضلی و تهیه‌کنندگی علی مهام را که از شبکه دو سیما در حال پخش است اگر بخواهیم در یک طبقه‌بندی ژانری قرار دهیم بدون شک با یک ملودرام اجتماعی و خانوادگی مواجه هستیم که البته درون ماهی‌های اخلاقی و دینی دارد و در یک تعریف جزئی‌تر به موضوع امانتداری و نگهداری از مال یتیم می‌پردازد؛ البته در لایه‌های درونی‌تر آن می‌توان برخی مسائل خانوادگی از جمله ازدواج را هم قرار داد که در نهایت همه این تم‌ها و مضامین در ذیل یک خوانش اخلاقی صورت‌بندی می‌شود. داستان سریال «آتش سرد» درباره دو شریک قدیمی است؛ محسن تاجیک که قیم برادرزاده همسرش است و سعید مفتح. داستان از مراسم عقد پسر مفتح با دختر تاجیک آغاز می‌شود، شبی که رؤیا (همسر حسابدار شرکت) به خانه تاجیک رفته‌و از کلاهبرداری و بیوشویی بزرگ مفتح در شرکت پرده برمی‌دارد. با آشکار شدن خافکاری مفتح برای تاجیک رابطه این دو دوست به هم می‌خورد و سرنوشت ازدواج فرزندانشان تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

در واقع با درام رمزگشاییانه‌ای مواجه هستیم که کشمکش‌های خود را بر دوگانگی‌ها در مناسبات خانوادگی قرار می‌دهد. دوگانگی بین کشش عاطفی و کنش عقلانی و محاسبه‌گرانه که معمولاً در بزنگاه‌های اخلاقی، تعارض‌های آن بیرون می‌زنند. در واقع هسته مرکزی این تضادها و کشمکش‌های دراماتیک بر ساخته از آن، اختلاف دو شریک بر سر مسائل مالی و مخالفت فرزندانشان با یکدیگر است.

خوشبختانه کارگردان از تبدیل کردن این دوگانگی به دوقطبی اخلاقی به معنای سیاه و سفید کردن شخصیت‌ها پرهیز کرده و شماییلی که از هر دو طرف دعوا ترسیم می‌کند دو خانواده اصیل ایرانی است که در آن احترام به بزرگ‌تر به‌عنوان یک ارزش پالس داشته می‌شود، هم در خانواده سعید و هم در خانواده محسن. مثلاً اسرا و آزاد هر دو با وجود علاقه‌ای که به یکدیگر دارند هیچ‌گاه رودرروی پدرانشان قرار نمی‌گیرند و حتی به خاطر حفظ حرمت آنها حاضر می‌شوند ازدواجشان را به تأخیر بیندازند. شمایل این خانواده و مناسبات بین آنها از مهبستگی تا اختلاف را در بستر درامی دیگر که البته سوهیاه ترازیک هم داشت در سریال «زیر تیغ» شاهد بودیم. مثلاً مادری که در اینجا می‌بینیم شیهه مادری است که در «زیر تیغ» با یازبی فاطمه معتمد آریا دیده بودیم. مادری که می‌کوشد در میان این اختلافات هم احترام شوهرش حفظ شود و هم احساسات دخترش خدشه‌دار نشود. آنچه موتور محرکه قصه «آتش سرد» است که محور درام را هم شکل می‌دهد قرار گرفتن مدام شخصیت‌های قصه در بزنگاه‌ها و آزمون دوگانگی‌های اخلاقی است. این موقعیت ضمن تقویت کشمکش‌های ذاتی درام به شخصیت‌پرداز ی رئالیستی و باورپذیر کاراکترها هم کمک کرده که در کلیشه سیاه و سفیدی یا خیر و شر مطلق قرار نگیرند و کسی باشند مثل همه مردم که ترکیبی از خصلت‌های خوب و بدند. جالب اینکه در این دوگانگی‌های دراماتیک را می‌توان در ساختار رتیمیک قصه هم ردیابی کرد. در واقع در «آتش سرد» با قصه‌ای مواجه هستیم که داستانی پرفراز و نشیب را با رتیمی آرام روایت می‌کند. این تضادها در بستر فضای کلی‌تر به ماهیت کلی قصه هم قابل تعمیم است. به این معنا که داستان مردی است که چندین سال پس از زندگی خود را در جبهه گذراند و در آنجا فرمانده جنگ بوده است و حالا در اتفاق برادر هم‌زندگی خود برگشته اما بعد از بازگشت یکی از دوستانش که اتفاقاً برادر همسرش است فوت می‌کند و این مرد فرزند دوستش را به فرزندی قبول می‌کند. تضاد بین فضای معنوی و معناگرای جنگ و فضای معیشتی و مادی‌گرایانه زندگی تأکیدی بر این مناسبت که قهرمان قصه و اساساً قهرمان کسی است که در دامنه آتشفشان زندگی می‌کند و مدام باید در معرض شعله‌های آتشی قرار بگیرد که نمادی از امتحان الهی است؛ امتحانی که در نهایت با تکیه بر ایمان و اخلاق و پابندی به ارزش‌های اخلاقی، این آتش‌ها را سرد می‌کند همچون ابراهیم در آتش. آنچه این آتش را سرد و در واقع به گلستان تبدیل می‌کند میل به حق طلبی و عدالت طلبی است. «آتش سرد» در واقع قصه و غصه حق‌جویی انسانی است که تلاش می‌کند از عدل خارج نشود.

انیمیشنی که باهمدات‌پنداری ایجادانگیزه‌می‌کند

انیمیشن کوتاه هدیه (The Present)، محصول سال ۲۰۱۴ کشور آلمان و به کارگردانی جاکوب فری (Jacob Frey) است. مدت زمان این انیمیشن ۴ دقیقه و ۱۸ ثانیه است و جوایز فراوانی را دریافت کرده است. این انیمیشن توجه چندجانبه به مسأله‌ای خاص دارد که سبب شده مورد توجه قرار گیرد.

انیمیشن اینطور آغاز می‌شود که گویی پسری خود را در خانه محبوس کرده، پرده‌ها را کشیده و غرق در بازی با کنسول بازی رایانه‌ای است و حتی آنقدر غرق در بازی است که متوجه ورود مادرش نمی‌شود. مادر اما برای کودک هدیه‌ای آورده که مقابل پسرک می‌گذارد و سپس پرده‌ها را کنار می‌زند تا نور وارد خانه شود و به او پیشنه‌های می‌کند که هدیه را باز کند. پسرک نخست از دیدن هدیه خوشحال می‌شود؛ اما بعد از چند ثانیه هدیه را از خود دور می‌کند و به تک اتاق می‌اندازد. نکته اینجااست که این هدیه در آخر کار خودش را می‌کند و سبب تغییر در پسرک می‌شود.

در واقع این انیمیشن در مورد یکی از واکنش‌های معمول در افراد معلول است؛ واکنشی که انزوا، دوری جستن از جمع، محبوس کردن خود در خانه و مواردی مشابه این را دربرمی‌گیرد. افراد دارای معلولیت یا کم‌توان معمولاً راهکار انزوا را در پیش می‌گیرند و به واسطه داشتن شرایط خاص، تصمیم می‌گیرند از دید دیگران پنهان بمانند. قطعاً این تصمیم بر شرایط روحی آنها هم تأثیر خواهد گذاشت. در چنین شرایطی دیگران و اطرافیان باید سعی کنند که آنها را از این نوع واکنش‌ها در ایت منصرف کنند و به جامعه و حضور در جمع و زندگی عادی بگردانند. این انیمیشن یکی از راه‌حل‌ها را، که انکار نکردن معلولیت و پذیرفتن آن است، نمایش می‌دهد؛ مادر در تلاش است با هدیه‌اش و همدات‌پنداری که از این طریق ایجاد می‌شود، کودک را از انزوا بیرون کشد و می‌بینیم که کودک در خانه را با می‌کند و برای بازی به بیرون از خانه می‌رود.

محبت معلولیت در مورد کودکان با حساسیت‌های بیشتری همراه است؛ چون ممکن است آنها را به سمت رفتارهایی نظیر پرخشگرگی، افسردگی، احساس پوچی، ناامیدی، از دست دادن اعتماد و نفس و مشکلات متعدد روحی، روانی و ارتباطی بکشاند. در واقع استراتژی انزوا راهکار همه افراد در وضعیت‌هایی است که توان حضور در جمع را ندارند؛ از این رو باید جایگزین‌هایی بر اساس شرایط و ملاحظات مختلف برای بازگرداندن افراد به حضور در جمع ایجاد کرد.

می‌توان گفت کم‌توانی‌های کودکان اعم از جسمی یا ذهنی که سبب انزوای اجتماعی آنها می‌شود، بیش از اینکه نیازمند انکار یا فرافکنی باشد، نیازمند همدات‌پنداری و همراهی و ایجاد انگیزه‌های محیطی است. این مقوله در همراهی با هیجاناتی مثل ترس، خشم و شادی هم صدق می‌کند. در هنگام بروز هیجاناتی چون ترس، باید با آنها همدلی کنیم و بگویم که در وضعیت مشابه با هم می‌ترسیدیم و این مسأله در مورد مابقی هیجانات کودکان به این دلیل اهمیت دارد که دیده شدن، از مسائل در خور تأمل در مقوله فرزندپروری است و اگر اطرافیان نتوانند حتی هیجاناتی مثل شادی کودک را هم ببینند و درک کنند، به آنها آسیب رسانده‌اند. از سوی دیگر در مواردی که کودکان نقصی دارند، ترجم باعث انزوای بیشتر آنان از آسیب مضاعف می‌شود؛ از این رو می‌توان گفت، رویکرد مهم این انیمیشن ایجاد انگیزه و همراهی برای بازگشت افراد به جامعه و روال طبیعی زندگی است که در کودکان حساس‌تر و حیاتی‌تر است. تماشای این انیمیشن را به والدین و دست‌اندرکاران آموزش و فرهنگی پیشنهاد می‌کنم.

فرهنگی پیشنهاد می‌کنم.

<div><div> </div>نون</div>	
<p>نون (ژان رنو): توبه زمان نیازداری تا یک کمی بزرگ بشی! مایلیدا (ناتالی پورتن): من دیگه بزرگ شدنم تموم شده لئون ابعد از این فقط سنم زیاد میشه!</p>	
<p>نون/ لوک بسون</p>	

فوت‌وفن سؤال کردن از فرزندان

یک فتنان حرف



شهرزاد عبیده
روانشناس

بچه‌ها عاشق حرف زدن و سؤال کردن هستند و دوست دارند بتوانند در دنیای غریب بزرگ‌ترها جایی باز کنند. نوجوانان هم می‌خواهند جدی گرفته شوند و حرف‌هایشان شنیده شود، بنابراین اگر می‌خواهیم راهی به دنیای فرزندان‌مان باز کنیم، باید بتوانیم درست آنها را بشنویم و صحیح سؤال پرسیم و مناسب واکنش نشان دهیم. شاید در وهله نخست به‌کارگیری همه این بایدها و نبایدها کمی سخت به نظر

برسد اما با کمی تمرین و تکرار تبدیل به بخشی جدایی‌ناپذیر از رفتار ما خواهند شد. یکی از روش‌های بسیار مؤثری که می‌تواند به ارتباط مثبت ما و فرزندان در هر سنی کمک کند، شیوه درست پرسش و پاسخ است. اگر قواعد پرسشگری در تربیت فرزندان را به درستی به کار بگیریم این پرسش و پاسخ، گفتم‌وگویی لذتبخش خواهد شد.

انواع پرسشگری در تعامل با فرزند

پرسش‌ها را به‌طور کلی می‌توان به دو گروه پرسش‌هایی با پاسخ باز و پرسش‌هایی با پاسخ بسته تقسیم‌بندی کرد. پرسش‌های بسته پاسخ، سؤال‌هایی هستند که فرد مقابل می‌تواند در پاسخ از جواب‌های بله یا خیر استفاده کند این در حالی است که در جواب پرسش‌های باز پاسخ فرد باید برای توضیح از جملات بهره بگیرد. اگرچه به‌کارگیری پرسش‌های باز پاسخ بهتر است اما گاهی هم پرسش‌هایی با پاسخ آری یا نه می‌توانند برای کسب اطلاعات مفید باشند ولی مراقب باشیم که این نوع سؤالات را پی در پی پرسیم و اگر نه اجازه حرف زدن را از فرزندان خواهیم گرفت و باب گفت‌وگو را می‌بندیم.

تشویق فرزندان به گفت‌وگو

فرض کنید، می‌خواهیم متوجه شویم فرزندانم ورزش را چگونه گذرانده، در اینجا می‌توانیم از او پرسیم: «امروز مدرسه خوب بود؟» یا «امروز مدرسه چطور بود؟»

در سؤال نخست فرزندانم می‌تواند با گفتن یک بله به کل صحبت خاتمه دهد اما برای پاسخ دادن به سؤال دوم لازم است کمی توضیح بدهد و این یعنی فراهم شدن فرصت گپ و گفت. در لابه‌لای این پرسش و پاسخ‌ها نه‌تنها ما اطلاعاتی درخصوص کودک یا نوجوان‌مان به دست می‌آوریم بلکه او هم فرصتی به دست می‌آورد تا مسائل خود را مورد کنکاش، وارسی و بازنگری قرار دهد. در ضمن سؤالاتی با پاسخ‌های باز اغلب باعث می‌شوند بچه‌ها و نوجوان حس بهتری برای ادامه مکالمه داشته باشند چون می‌توانند موضوعات را آنطور که می‌خواهند برای ما تعریف کنند.

روش پرسش از کودک یا نوجوان

یکی از روش‌هایی که می‌تواند به ما در پرسیدن سؤالات باز پاسخ کمک کند استفاده از «چه» و «چطور» است. مثلاً «چه چیزی باعث شد چنین فکری کنی؟» یا «چطور توانستی این کار را به تنهایی انجام بدهی؟»

سؤالاتی که با «چه» «شروع می‌شوند اغلب بیان واقعیت را تسهیل می‌کنند و پرسش‌هایی که با «چطور» آغاز می‌شوند کودک یا نوجوان را تشویق می‌کند تا درباره دیدگاه‌های شخصی و ذهنی خودش درباره واقعیت صحبت کند.

استفاده از «ممکن است»، «می‌شود»، «امکان دارد» هم در سؤالات بسیار کمک‌کننده خواهد بود. مثلاً وقتی فرزندانم یا ناراحتی درباره تجربه ناخوشایندی در مدرسه حرف می‌زند، می‌توانیم پرسیم «ممکن است برابیم یک مثال از رفتار آزردهنده دوست بزنی؟» این سؤال او را تشویق می‌کند، توضیح کاملی درباره مسأله مورد بحث بدهد.

منوعیت‌های پرسش از کودک و نوجوان

حواس‌مان باشد که استفاده از واژه «چرا» در گپ و گفت‌ها می‌تواند باعث ایجاد تداغی شود و بحث را متوقف یا به بیراهه بکشاند. دور سؤالات انتقادآمیز را هم باید خط قرمز بکشیم چون نه تنها سودمند نیستند بلکه می‌توانند به رابطه آسیب بزنند. بهتر است پرسش‌های جهت‌دار را هم فراموش کنیم چراکه قرار نیست ما به عنوان پدر و مادر، باورها و برداشت‌های خودمان را به فرزندان تحمیل کنیم و البته او هم زیر بار چنین چیزی نخواهد رفت.

و نکته آخر؛ پشت سرهم سؤال نپرسیم و اجازه دهیم فرزندان به آرامی با ما تعامل برقرار کنند. با پرسیدن چند سؤال همزمان فقط او را گیج و خسته می‌کنیم.

عکس نوشت

ثبت‌نام اکران‌های مردمی انیمیشن سینمایی «لوبوتو» از تولیدات مرکز انیمیشن سوره، به کارگردانی عباس عسکری و تهیه‌کنندگی محمدحسین صادقی از طریق سایت اکران مردمی به آدرس ekranmardomi.ir آغاز شد.
علاقه‌مندان با توجه به اهمیت موضوع حمایت از تولید ملی بویژه برای کودکان که درنمایه اصلی این فیلم است می‌توانند برای اکران فیلم «لوبوتو» در شهرهای فاقد سینما ثبت‌نام کنند و با امکانات در اختیار خودشان آن را در مکان‌هایی مانند مسجد، دانشگاه، حوزه علمیه، فرهنگسراها و بویژه مدارس به نمایش بگذارند.

